نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۳۱۹ تا ۳۲۲

نامه به سردبیر

از شواهد علمی تا تصمیمات سیاسی: پیوند عدالت در تغذیه با پویایی قدرت

مونا پورقادری[۱]، فاطمه محمدی نصرآبادی[۲]، امیرحسین تکیان[۳*]

۱. استادیار، گروه تغذیه جامعه، دانشکده علوم تغذیه و رژیم‌شناسی، مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲. دانشیار، گروه تحقیقات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی غذا و تغذیه، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. * **نویسنده مسئول:** استاد، گروه مدیریت، سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت، گروه سلامت جهانی و سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران، takian@tums.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶

سردبیر محترم نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی

در چشم‌انداز سلامت جهانی، عدالت در تغذیه- به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های لازم برای دستیابی همه افراد به وضعیت تغذیه‌ای مطلوب، به عنوان سنگ بنای تلاش‌ها برای مبارزه با سوءتغذیه، چاقی و سایر بیماری‌های مرتبط با رژیم غذایی در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم ارتباط تنگاتنگی با عوامل اجتماعی تعیین‌کننده سلامت دارد که در مجموع الگوهای غذایی و پیامدهای سلامتی را شکل می‌دهند (۱). با وجود گسترش داده‌های علمی که از سیاست‌های تغذیه‌ای مبتنی بر شواهد پشتیبانی می‌کنند، بسیاری از کشورها از جمله ایران همچنان در اجرای راهبردهایی که به‌طور مؤثر نابرابری‌های تغذیه‌ای را برطرف کنند، با چالش‌های بنیادین مواجه‌اند (۲ و ۳). این گسست، اغلب ریشه در ذات سیاسی فرآیند سیاست‌گذاری دارد؛ جایی که تصمیمات تحت تأثیر توزیع قدرت میان ذی‌نفعان مختلف اتخاذ می‌شود. تصمیم‌گیران ممکن است یافته‌های علمی را بر اساس ملاحظات سیاسی به‌طور انتخابی تفسیر کنند یا نادیده بگیرند. این رویه ممکن است به تدوین و استقرار سیاست‌هایی بیانجامد که لزوماً به ریشه نابرابری‌های تغذیه‌ای نمی‌پردازد. به‌طور مشابه، رهبران سیاسی ممکن است به‌جای سیاست‌هایی که به‌طور مؤثر عدالت در تغذیه را ترویج می‌کنند، سیاست‌هایی را در اولویت قرار دهند که با باورهای ایدئولوژیک آن‌ها یا با گروه‌های رأی‌دهنده و پشتیبان هم‌سو باشد. از این رو، لازم است فعالان حوزه تغذیه، درک مناسبی از رابطه پیچیده میان عدالت در تغذیه و قدرت سیاسی و تحلیل این‌که چگونه این پویایی‌ها بر فرآیندهای سیاست‌گذاری و در نتیجه، پیامدهای سلامت عمومی تأثیر می‌گذارند، به دست آورند. تأکید ما در این نوشتار بر ضرورت ایجاد این درک در ذی‌نفعان کلیدی است.

پویایی قدرت یا شیوه‌هایی که در آن قدرت در یک جامعه توزیع و اعمال می‌شود، بر این که کدام بازیگران (افراد یا سازمان‌ها) در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند، به منافع کدام ذی‌نفعان اولویت داده می‌شود و هم‌چنین، بر نحوه تخصیص منابع تأثیر می‌گذارد. این پویایی‌ها اگر به دقت مدیریت نشوند، می‌توانند نابرابری‌های موجود را تداوم بخشند (۴). به عنوان نمونه؛ امکان این‌که رهبران سیاسی، دستاوردهای اقتصادی کوتاه‌مدت را بر اهداف بلندمدت سلامت عمومی اولویت دهند و در نتیجه سیاست‌هایی را تعریف و یا اجرا کنند که به گونه‌ای مؤثر به نابرابری‌های تغذیه‌ای نمی‌پردازند، می‌توانند بیان‌گر نادیده‌انگاری ابعاد سیاسی سیاست‌های تغذیه‌ای باشد. تجربه و مشاهدات اخیر ما از رغبت کم‌سوی تصمیم‌گیرندگان سپهر سیاستگذاری عمومی کشور، شامل نظام سلامت، به پذیرش مداخلات مبتنی بر شواهد روایت می‌کند. چنین بی‌میلی را می‌توان به تأثیر متقابل پویایی قدرت در چشم‌انداز سیاسی نسبت داد که شاید نشان‌گر ضرورت پرداختن به این روابط پیچیده برای تقویت سیاست‌های تغذیه‌ای مؤثرتر و عادلانه‌تر باشد؛ لذا به نظر می‌رسد گذار ایمن از چنین چالش‌هایی مستلزم قراردادن فعالانه ابعاد سیاسی عدالت در تغذیه به عنوان پیشران گفتمان علمی و دانشگاهی و به‌گونه گسترده‌تر، در پهنه سیاست‌ورزی عمومی است.

پذیرش این واقعیت که تبدیل داده‌های علمی به تصمیمات سیاسی، به‌ویژه در حوزه‌های حساس و بنیادین مانند تغذیه و امنیت غذایی، با موانع پرشمار روبه‌رو است، دارای اهمیت است. این چالش‌ها بیشتر ریشه در پویایی قدرت و توجه ناکافی به عدالت در تغذیه دارند. در این میان، خوب است به جایگاه بارز چیرگی منافع اقتصادی در شکل‌دهی فرآیند سیاست‌گذاری و فرآورده‌های سیاستی در حوزه غذا و تغذیه توجه کنیم. ذی‌نفعان گوناگون با تلاش برای نفوذ در فرآیندهای سیاست‌گذاری، به

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/8.3.16]

دنبال حفاظت از منافع خود، حتی به بهای مخالفت با شواهد علمی هستند. از سویی دیگر، سکون سیاستی یا سکون در سیاست‌گذاری به معنی مقاومت در برابر تغییر و کندی در اجرای اصلاحات ممکن است ناشی از ترس از پیامدهای سیاسی، فشار از سوی گروه‌های قدرتمند و یا فقدان تقاضا برای تغییر، از سوی جامعه مدنی باشد (۵). هرچند، یکی از راه‌های مبارزه با نفوذ قدرت‌های اقتصادی، افزایش قدرت جامعه مدنی و ترویج مشارکت شهروندان در فرآیندهای سیاست‌گذاری است؛ اما توان ناکافی جامعه مدنی در بسیاری از جوامع، اجازه ایستادگی در برابر نفوذ برخی ذی‌نقشان را می‌ستاند که به نوبه خود می‌تواند به ناکامی در انتقال داده‌های علمی به تصمیمات سیاسی مؤثر بیانجامد.

در یکی از تلاش‌های اخیر و به دنبال مرجع قرار گرفتن سبد تأمین کننده ۲۱۰۰ کیلوکالری ازسوی وزرات تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به جای سبد مطلوب غذایی در تعیین خط فقر از سال ۱۳۹۵(۶)، جمعی از متخصصان تغذیه کشور با استفاده از روش‌های علمی روزآمد و داده‌های ملی بررسی الگوی مصرف مواد غذایی (۷) و هزینه درآمد مرکز آمار ایران (۸)، سبدهای غذایی مطلوب و مقرون به صرفه را به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای برنامه‌ریزی در حوزه امنیت غذایی و عدالت در تغذیه به ترتیب بازنگری و طراحی کرده‌اند (۹). هرچند، استفاده از این سبدها می‌تواند با هدایت سیاست‌های حمایتی هدفمند، بهبود معناداری در وضعیت تغذیه‌ای اقشار آسیب‌پذیر ایجاد کند؛ اجرای آنها با چالش‌های اساسی روبه‌رو است. نمایندگان برخی گروه‌های ذی‌نقش، که به‌طور سنتی در مذاکرات مربوط به کمینه دستمزد و سیاست‌های حمایتی نقش دارند، ممکن است نگران افزایش هزینه‌ها، پیامدهای اقتصادی طرح‌های جدید و حتی عدم کفایت سبدهای غذایی مقرون به صرفه باشند. این نگرانی‌ها اغلب باعث می‌شود تا چنین طرح‌هایی، حتی اگر از نظر علمی و تغذیه‌ای به نفع جامعه باشند، به دلیل عدم آگاهی، پویایی‌های قدرت و ترس از پیامدهای سیاسی و اجتماعی به حاشیه رانده شوند. از سوی دیگر، پویایی محیط سیاسی نیز به عنوان یک پیشران قدرتمند می‌تواند با تغییر دانش، منافع، قدرت و دیگر ویژگی های ذی‌نقشان، موضع آنها را از پشتیبان به مخالف، و یا وارونه جا به جا کند (۱۰). به‌طوری‌که در این باره، وزارت بهداشت به عنوان متولی تعیین و اعلام سبد غذایی مطلوب و سفارش‌دهنده طرح مطالعاتی مربوطه، در واکنش به انتقادهای نمایندگان جامعه کارگران اعلام کرد سبد غذایی هیچ‌گاه مبنای تعیین دستمزد هیچ یک از مشاغل از جمله قشر خدمتگزار کارگر قرار ندارد، بلکه اصولاً تعیین سبد غذایی برای مشاغل، فاقد مبنای علمی است (۱۱)! این در حالی است که بر پایه شواهد جهانی پرشمار، یکی از کاربردهای اصلی سبدهای غذایی مقرون به صرفه، محاسبه جزء غذایی خط فقر است و هنگامی که با سایر داده‌های مخارج خانوار ترکیب شود، به محاسبه خطر فقر کل و کمینه دستمزد کمک می‌کند (۱۴-۱۲).

سکون در سیاست‌گذاری که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، به‌ویژه زمانی که سیاست‌های تغذیه‌ای با پیامدهای اجتماعی و سیاسی همراه هستند، آشکارتر می‌نماید. تصمیم‌گیران ممکن است از پذیرش چنین طرح‌هایی پرهیز کنند، چرا که نگران واکنش‌های منفی جامعه، افزایش نارضایتی عمومی یا حتی اعتراض هستند. نتیجه چنین ملاحظات محافظه‌کارانه می‌تواند عدم اجرای معنادار طرح‌های علمی و مقرون به صرفه‌ای باشد که می‌توانند بی‌عدالتی‌های تغذیه‌ای را بالقوه کاهش دهند. هم‌چنین، عدم استفاده از این سبدها به معنای تداوم نابرابری های تغذیه ای و افزایش شکاف بین اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه شهروندان کم‌درآمد با دسترسی کمتر به مواد غذایی سالم است که می‌تواند به افزایش نرخ سوءتغذیه، بیماری‌های مرتبط با تغذیه و در نهایت، کاهش سلامت عمومی جامعه بیانجامد (۱۵). فهم مؤثر این واقعیت که اینرسی سیاستی کنونی حاصل مخالفت بخش خصوصی- تجاری، بی‌میلی دولت‌ها و زیرمجموعه آنها برای تنظیم‌گری و عدم تقاضا برای اقدام سیاستی از سوی جامعه مدنی در این حوزه بوده است، می‌تواند توجه را بر مانع اصلی عمل، که همانا اعمال قدرت سیاسی در راستای بهینه‌سازی منافع برخی ذی‌نقشان است، متمرکز سازد. برای گذر از این موانع و تضمین استفاده از طرح‌های علمی، به تغییرات اساسی در آگاهی ذی‌نقشان، پویایی قدرت و تقویت مشارکت جامعه مدنی نیاز است. تصمیم‌گیران باید از قدرت و نفوذ گروه‌های قدرتمند فاصله بگیرند و به نیازهای واقعی جامعه توجه کنند. به نظر می‌رسد این امر تنها با فشار از سوی جامعه مدنی و مطالبه عدالت در تغذیه امکان‌پذیر است.

راهبردهایی برای پیوند عدالت در تغذیه و پویایی‌های قدرت

ساخت اراده سیاسی برای عدالت در تغذیه نیازمند رویکردی چند بُعدی است. ارتقای آگاهی شهروندان درباره اهمیت عدالت در تغذیه می‌تواند با تبدیل آگاهی به مطالبه‌گری فعال و بسیج اجتماعی به ایجاد حرکت سیاسی لازم برای اعمال تغییرات بیانجامد. در این راستا، پررنگ کردن مزایای بلندمدت سلامتی، اقتصادی و اجتماعی پرداختن به نابرابری‌های تغذیه‌ای و تصویرسازی آن به عنوان یک کالای عمومی که فراتر از تقسیم‌بندی‌های سیاسی است، بسیار مهم است. همکاری سازمان‌های مردم نهاد با مؤسسات علمی می‌تواند نقش اساسی در ساختن اراده سیاسی ایفا کند. این مشارکت‌ها می‌توانند شواهد، منابع و پشتیبانی لازم را برای فشار به سمت تغییرات سیاستی فراهم کنند و با تقویت صدای خود تأثیر بیشتری بر فرآیند سیاست‌گذاری داشته باشند. از طرفی، به نظر می‌رسد برای ترویج مؤثر عدالت در تغذیه، باید ملاحظات مربوط به عدالت در هر مرحله از فرآیند سیاست‌گذاری ادغام شوند: اطمینان از این‌که عدالت در تغذیه به عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گیرد، به‌ویژه در بحث‌های مربوط به تخصیص منابع و طراحی برنامه‌های حمایتی؛ تدوین سیاست‌هایی که به‌طور صریح به نیازهای جمعیت‌های حاشیه‌ای بپردازند و بر اساس داده‌های مربوط به عوامل اجتماعی مؤثر بر

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/8.3.16]

سلامت طراحی شده باشند؛ تعریف برنامه‌هایی که در عمل برای همه قابل دسترس باشند و بر کاهش موانع مشارکت برای گروه‌های آسیب‌پذیر تمرکز داشته باشند؛ و در نهایت، ارزیابی منظم تأثیر سیاست‌ها بر جمعیت‌های مختلف تا از حصول به اهداف عدالت اطمینان حاصل شود.

توجه به مصادیق حکمرانی خوب نظیر مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گو نگه داشتن سیاست‌گذاران و نهادهای مدیریتی – اجرایی از طریق تقویت نظام نظارتی در قبال پیامدهای سیاست‌های تغذیه‌ای و نیز اطمینان از تحقق اهداف عدالت از مسیر ساز و کارهای شفافیت، مانند ارائه گزارش عمومی در مورد پیامدهای سیاست‌ها و ارزشیابی‌های مستقل حائز اهمیت است. سازمان‌های مردم نهاد در صورت سازمان‌دهی و تقویت می‌توانند نقشی کلیدی در نظارت بر اجرای سیاست‌ها و حمایت از اقدامات اصلاحی در صورت لزوم ایفا کنند. در حالی‌که بسیاری از سازمان‌های غیردولتی با چالش‌هایی مانند پراکندگی و کمبود بودجه مواجه هستند، بودجه هدفمند برای حمایت می‌تواند ظرفیت آنها را برای تأثیرگذاری افزایش دهد. از سویی دیگر، تحلیل دقیق ذی‌نقشان به شناسایی افرادی که دارای قدرت و مسئولیت هستند کمک می‌کند که برای ارزیابی پویایی در بازی قدرت ضروری است. توجه به نقش بالقوه رسانه‌های مستقل و نفوذ آنها در پررنگ کردن موضوعاتی مانند امنیت غذایی، سوءتغذیه و نقل داستان‌های شخصی افراد و جوامع تحت تأثیر ناامنی غذایی، احساس فوریت ایجاد می‌کند و افکار عمومی و بودجه را برای ابتکارات با هدف تغییر مناسبات قدرت شکل می‌دهد. تعامل با تأثیرگذاران و کارشناسان و همچنین، میزبانی و پوشش رسانه‌ای رویدادهای مرتبط با این موضوع می‌تواند دامنه و تأثیرات آنها را بیشتر گسترش دهد و به شکل‌گیری یک روایت قدرتمند برای ایجاد تحول کمک کند.

ما بر این باور هستیم که دستیابی به عدالت در تغذیه نه تنها به شواهد علمی قوی، بلکه به تلاشی آگاهانه برای پرداختن به بافتار سیاسی اخذ تصمیم ها، نیاز دارد. در این میان، به نظر می‌رسد امیدوارکننده ترین اهرم، مسئولیت‌پذیر نگاه داشتن بازیگران اصلی در قدرت (دولت و بخش خصوصی) و بهبود توانمندی و افزایش مهارت و قدرت جامعه مدنی شامل سازمان‌های غیردولتی، پژوهشگران، جامعه متخصصان و تمامی شهروندان برای مطالبه تغییرات در اقتصاد سیاسی این حوزه است. محققان و دیگر فعالان می‌توانند با تصدیق و پرداختن به پویایی‌های قدرت، برای به چالش کشیدن ساختارهای قدرت موجود و تلاش برای سیاست‌هایی که به‌طور واقعی عدالت در تغذیه را ترویج می‌کنند، همکاری کنند و تحقیقات و تلاش‌های سیاستی آینده را برای کشف پیوندهای میان قدرت، سیاست و تغذیه برای پیشبرد هدف عدالت در سلامت جهانی هدایت نمایند.

منابع

1. Nisbett N, Harris J, Backholer K, Baker P, Jernigan VB, Friel S. Holding no -one back: the nutrition equity framework in theory and practice. Glob Food Sec 2022; 32: 100605.
2. Bedsaul-Fryer JR, van Zutphen-Küffer KG, Monroy-Gomez J, Clayton DE, Gavin-Smith B, Worth C, et al. Precision nutrition opportunities to help mitigate nutrition and health challenges in low-and middle-income countries: an expert opinion survey. Nutrients 2023; 15(14):3247.
3. Pourghaderi M, Takian A. Cost of Inequality: Deciphering Nutrition Equity in the Political Economy. Iran J Cult Health Promot 2024; 7(4): 663-665. [in Persian]
4. Iton A, Ross RK, Tamber PS. Building_Community_Power_To_ Dismantle_Policy-Based Structural Inequity in Population Health: Article describes how to build community power to dismantle policy-based structural inequity. Health Affairs 2022; 41(12): 1763-71.
5. Hagenaars LL, Schmidt LA, Groeniger JO, Bekker MP, Ter Ellen F, de Leeuw E and et al. Why we struggle to make progress in obesity prevention and how we might overcome policy inertia: Lessons from the complexity and political sciences. Obesity Reviews 2024; 25(5): e13705.
6. Shahbazian A, Abdullahi M, Einian M, Kaviani Z. Iran's poverty line in 2016 and an overview of its calculation method. Economic Studies Office of Islamic Parliament Research Center 2018; 16159. [in Persian]
7. Kalantari N, Houshyar-Rad A, Abdollahi M, Khoshfetrat MR, Dadkhah Piraghaj M, Zoghi T, et al. National survey report on food consumption and nutritional status of households and individuals 2018-2019. National Nutrition and Food Technology Research Institute and Community Nutrition Improvement Office, Deputy for Public Health, Ministry of Health and Medical Education; 2024. [in Persian]
8. Statistical Centre of Iran. Statistical data and information, demographic and social statistics, household expenses, and income; 2023. Available at: https://amar.org.ir/cost-and-income
9. Pourghaderi M, Mohammadi-Nasrabadi F, Abdollahi M, Houshiar–Rad A, Khoshfetrat M, Esfarjani F, et al. Optimal and Thrifty Sustainable Food Baskets of Iran-2023. Iranian J Nutr Sci Food Technol 2024; 19(1): 1-16. [in Persian]
10. Balane MA, Palafox B, Palileo-Villanueva LM, McKee M, Balabanova D. Enhancing the use of stakeholder analysis for policy implementation research: towards a novel framing and operationalised measures. BMJ global health 2020; 5(11): e002661.
11. Government of the Islamic Republic of Iran. Denying the change in the workers' food basket. News code: 441675; 2024. Available at: https://dolat.ir/detail/441675
12. Azizkhani F. Pathology of determining the minimum wage in Iran (1): Examining the decision-making structure of wage determination. Economic Studies Office of Islamic Parliament Research Center 2023; 1924. [in Persian]
13. Fox L, Burns K. The supplemental poverty measure: 2020. Current Population Reports. US Census Bureau; 2021.
14. Hasanah H, Nachrowi ND, Wisana ID, Siregar H. Could the minimum wage policy reduce food insecurity among households of formal workers in Indonesia? Agriculture & Food Security 2024; 13(1): 7.
15. USDA. Thrifty Food Plan. Washington D.C: Department of Agriculture; 2021.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/8.3.16]

Letter to Editor

From Scientific Evidence to Political Decisions: The Link between Nutrition Equity and Power Dynamics

Mona Pourghaderi[1], Fatemeh Mohammadi-Nasrabadi[2], Amirhossein Takian[3*]

1. Assistant Professor, Department of Community Nutrition, School of Nutritional Sciences & Dietetics, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Research Department of Food and Nutrition Policy and Planning, National Nutrition and Food Technology Research Institute (NNFTRI), Faculty of Nuitrition Sciences and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
3. ***Corresponding Author:** Professor, Department of Health Management, Policy and Economics, Department of Global Health and Public Policy, School of Public Health, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences; Tehran, Iran, takian@tums.ac.ir

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/8.3.16]